

أغوز آتای

تاریخ ادبیات ایران

در انتظار ترس

ترجمه

عین له غریب



مؤسسه انتشارات نگاه

تهران، ۱۳۵۲

فهرست

۹	درباره‌ی نویسنده
۱۰	۱- زندگی نامه
۱۲	۲- رمان
۱۷	زبان و بیان
۲۱	شخصیت‌های داستان
۲۵	طنز
۲۸	بازی
۳۱	۳- داستان‌های کوتاه
۳۵	۴- نمایش نامه
۳۹	منابع
۴۰	مردی با مانتوی سفید
۷۱	از یاد رفته
۸۵	در انتظار ترس
۲۱۹	یک نامه
۲۵۹	نه نه، نه آره
۲۸۵	اسب چوبی
۳۳۱	یه نامه برا آقا جون
۳۵۱	قصه‌فروش‌های راه‌آهن

درباره‌ی نویسنده

ژاک دریدا^۱ برای کتابی که درباره‌ی اجتناب و احتراز از مقدمه نوشته - در متن آن علیه مقدمه در مفهوم عام چندان پیش می‌رود که اصل و اساس آن را از پایه بر خطا دانسته و حتی اساساً نامفهوم و نارسا خواند - مقدمه‌ای به واقع بلندبالا نگاشته است! بی‌هیچ تعارفی نظر نگارنده نیز پیرامون مقدمه عین به عین و پهلو به پهلو نظر دریدا می‌زند، و جالب این که به رغم این همین نوشتار نیز در اصل چیزی نیست جز یک مقدمه! شاید در برابر تألیفی بودن، تحقیقی بودن این نوشته و در برابر تجویزی بودن، توصیفی بودن آن از سویی و تأکید به حق ناشر محترم بر لزوم معرفی نویسنده‌ی این کتاب در ناشناس بودنش در این مرز و بوم هم از سوی دیگر، به ظاهر توجیه خوبی برای برون رفت از این تناقض آشکار باشد، اما، قطع یقین توضیح به جایی نیست. به هر حال، آن چه در پی می‌آید نوشتاری است در حکم یک «مقدمه» از قلم قاصر نگارنده برای این کتاب آغوز آتای و دیگر کتاب‌های او. باشد که قدری هم که شده، مفید افتد.

ع.غ

۱. Jacques Derrida (1930-2004)، فیلسوف فرانسوی.

نخستین رمان *اُغوز آتای*، توتونامایان لار^۱، در سال ۱۹۷۱ انتشار یافته و جایزه‌ی کتاب سال ترکیه را برای او به ارمغان آورد. بازی‌های خطرناک^۲ دومین رمان او بود که سال ۱۹۷۳ به چاپ رسیده و نزد منتقدان جایگاه ادبی و نزد مخاطبان نیز شهرت او را در حکم نویسنده‌ای توانا تثبیت کرد. به دنبال این مجموعه داستان‌های کوتاه او، در انتظار ترس^۳، این موفقیت را با سیری صعودی افزایش داد و قوام بخشید. قصه‌ی زندگی اندیشمندی^۴ که به شرح زندگانی استادش، پروفیسور مصطفی اینان^۵ (۱۹۶۷-۱۹۱۱) پرداخت و نمایش‌نامه‌ی آنها که به بازی زنده‌اند^۶ که به نحوی به شرح زندگانی خود او می‌پرداخت، نه تنها از این روند رو به رشد ممانعت نکردند بلکه به سرعت توسعه و تشدید آن نیز افزودند. و روح ترکیه^۷ آخرین رمان *اُغوز آتای* بود که در نظر داشت به رابطه‌ی سه‌گانه‌ی فرد - جامعه - دولت بپردازد، در حالی که، با مرگ نابه‌هنگام او برای همیشه ناتمام ماند.

۱. Tutunamayanlar؛ جای توجه دارد که ترجمه‌ی دقیق این عبارت به زبان فارسی - یا هر زبان دیگری - به واقع بسیار دشوار است. از سرِ سهل‌انگاری می‌توان در برگردان آن به تعبیری چون «ناکامان»، «ره نیافتگان»، و امثال این که ریشه در معنای مستعمل و کاربردی آن دارند توسل جست، یا این که از در ایتمولوژی به ریشه‌ی لغوی آن "Tutunmak" به معنی «گرفتن» یا دقیق‌تر از آن «گرفته شدن» ابتدا کرده و واژه‌ای از دید لغوی درست اما نازیبا چون «گرفته یا گرفتار نشدگان» را در ازای آن به کار گرفت، اما، مفهوم دقیق این عبارت بی‌شک جز در قالب یک گفته یا حتی جمله قابل انتقال نیست؛ توتونامایان لار در زبان ترکی به کسانی اطلاق می‌شود که به کس، چیز، هدف، مرام یا مسلکی بند نشده و از این راه افرادی ناموفق محسوب می‌شوند. چنان که خود آتای در بخشی از این رمان در تعریف این افراد با هجو و هزل همیشگی خود از ترکیب لاتین "Disconnectus Erectus" استفاده می‌کند که برگردان فارسی آن نیز با اندکی اغماض همان می‌شود که گفته شد.

۲. Tehlikeli Oyunlar، این رمان سال ۱۳۹۳ توسط نگارنده به زبان فارسی ترجمه شده است؛ آتای، *اُغوز*، ۱۳۹۳. بازی‌های خطرناک. عین له غریب، تهران: نشر نگاه.

3. Korkuyu Beklerken

4. Bir Bilim Adamānān Romanā

۵. Mustafa İÜnan (1967-1911)، مدرس دانشگاه.

6. Oyunlarla YaŪayanlar

7. Türkiye'nin Ruhı

۱- زندگی نامه

اُغوز آتای^۱ روز دوازدهم از ماه دهم سال ۱۹۳۴ میلادی در شهرستان اینه بولو^۲ به دنیا آمد. پدرش جمیل آتای^۳ حقوق‌دانی بنام بود و دوره‌ای نماینده‌ی مجلس شورای ملی جمهوری ترکیه از حزب جمهوری خواه. سال ۱۹۳۹ به دلیل وکالت پدر، *اُغوز آتای* هم به همراه خانواده عازم آنکارا^۴ شده و بدین ترتیب تحصیلات مقدماتی و متوسطه‌ی خود را در کالج معارف، یکی از معروف‌ترین کالج‌های پایتخت، سپری کرده و با درجه‌ی عالی به اتمام رساند. به دنبال این در سال ۱۹۷۵ برای ادامه‌ی تحصیلات خود رهسپار شهر استانبول^۵ گشته و در رشته‌ی مهندسی عمران دانشگاه پلی‌تکنیک این شهر مشغول تحصیل شد و پس از اتمام تحصیلات عالی‌ه‌ی خود در همین دانشگاه به تدریس پرداخت. تا این که در سال ۱۹۷۵ دچار تومور مغزی بدخیم گشته و برای مداوا عازم لندن^۶ شد. دو سال اقامت پیوسته در یکی از مجهزترین بیمارستان‌های این شهر، متأسفانه، به التیام آلام او نیا انجامید. و روز سیزدهم از ماه دوازدهم سال ۱۹۷۷ در سن چهل‌وسه سالگی درگذشت.

1. Oğuz Atay

2. İÜnebolu

3. Cemil Atay

4. Ankara

5. Istanbul

6. London